

## تحلیل و بررسی تأثیر فرهنگ بر برنامه‌ریزی در فرهنگ شهروندی و شهری ایران

گشتاسب کیانی<sup>۱</sup>، کوروش افضلی<sup>۲</sup>، کرامت‌الله زیاری<sup>۳</sup>

### چکیده

هم‌زمان با شروع تمدن انسانی فرهنگ پدیدار شد و همچنان رو به توسعه و گسترش است. با ترقی تکنولوژی از سوی جوامع توسعه‌یافته، فرهنگ غربی همراه با تکنولوژی آن‌ها در فرهنگ‌های دیگر ورود پیدا کرد و یک جایگزینی همراه با تقلید بی‌هدف را به ارمغان آورد. ضعف، رکود و انحطاط فرهنگ‌های غنی و ریشه‌دار محلی به وسیله مجذوب شدن در یک فرهنگ دیگر و ایجاد یک فرهنگ ثابت جهانی، خود به‌عنوان مشکلی بزرگ برای کنترل جوامع، پیشگیری از جرم و هویت‌مند کردن معرفی می‌شود. شهرهای ما در گذشته از میراث و تمدنی گران‌بها با عنوان فرهنگ شهرنشینی در تمام چهارچوب زندگی بهره‌مند بوده، اما با توجه به ترقی و توسعه و ورود تکنولوژی در زندگی، این فرهنگ کم‌رنگ و در حاشیه قرار گرفت و ناهنجاری‌ها در بطن آن قرار گرفته‌اند. شهرهای ما که بر اساس اصول و قواعد حاصل یک معماری ایرانی اسلامی است، آیین رخ‌نمای فرهنگی بوده و منعکس‌کننده فرهنگ با توجه به ویژگی‌هایش هستند. امروزه ما با شهرها و مکان‌های پرجمعیتی مواجهیم که هیچ‌گونه از مظاهر و سیما و منظر فرهنگی را در خود جای نداده است. روش پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است که به ابعاد تأثیر فرهنگ و برنامه‌ریزی و تحلیل و بررسی جایگاه آن در فرهنگ شهرسازی خواهد پرداخت. نتایج نشان می‌دهد یکی از مؤلفه‌های مهم جامعه شهری مدرن و امروز ایران، مربوط به چگونگی تحقق فرهنگ شهرسازی در بین شهرهای مختلف است که هر یک به دلیل داشتن ویژگی‌های خاص جغرافیای رفتاری و فرهنگی، اغلب طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران شهری را با چالشی بزرگ روبه‌رو کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** فرهنگ، برنامه‌ریزی، توسعه، فرهنگ شهرسازی، هویت شهری.

۱. دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران، gashtaseb.kiani@yahoo.com

۲. استادیار گروه شهرسازی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران، نویسنده مسئول، kkafzali1@gmail.com

۳. استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران، zayyari@ut.ac.ir

## ۱. بیان مسئله

مفهوم فرهنگ دربردارنده علم، آگاهی، اندیشه، آداب، بزرگی و سنجش است و از «فر» و «هنگ» (از ریشه تنگ thang اوستایی) به معنای کشیدن ساخته شده است. فرهنگ و فرهیختن در مفهوم مطابق با اجوکیت (educat) و اجور (ثبعث) به معنای کشیدن و کشش و نیز به معنای علم آموختن، آموزش و تعلیم و تربیت (در زبان اروپایی اجوکیشن (education) و در پهلوی فرهنگ (farhang) آمده است (معین، ۱۳۹۱: ۱۲۷۸). دهخدا واژه فرهنگ را از دو جزء «فر» و «هنگ» (فر به معنای شکوه، شأن، مقام و منزلت و هنگ به معنای کشیدن و وقار) به معنای بیرون کشیدن ذکر کرده است (دهخدا، ۱۳۹۶: ۱۵۱۲).

فرهنگ عمید واژه فرهنگ را به معنای دانش، ادب، علم، آموزش و پرورش، هنر و معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت و نیز به معنای کتاب آورده است (عمید، ۱۳۹۰: ۱۲۲۰). فرهنگ از کلمه لاتین کالچر (culture) در آغاز قرن ۱۴ هجری شمسی به زبان فارسی راه یافته است (مومنی و مسعودی، ۱۳۹۵: ۶۸).

ادوارد تیلور<sup>۱</sup>، مردم‌شناس انگلیسی، فرهنگ و تمدن را به یک مفهوم در نظر دارد و آن‌ها را مجموعه‌ای درهم و مبهم از معرفت، عقاید، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم و همه قابلیت‌ها و عادت‌هایی می‌داند که انسان به عنوان عضوی از جامعه می‌پذیرد. بنابراین در یک جمع‌بندی «فرهنگ به همه نهادها، فنون، هنرها، رسوم، سنت‌ها، ادبیات، اعتقادات (حسینی کازرون، ۱۳۷۳: ۴۲)، مجموعه تدابیر و روش‌های زندگی مشترک گروهی از مردم گفته می‌شود که همسانی در رفتار، روش، ایدئولوژی، اقتصاد، مذهب و تکنولوژی دارند (شکویی، ۱۳۹۹: ۱۲). مفهوم امروزی منظر فرهنگی، نتیجه روند توسعه جامعه کنونی و ارزش‌های حاکم بر آن است. پس از جنگ جهانی و ویرانی‌های حاصل از آن و توسعه عظیم صنعتی، از دهه ۱۹۵۰ مردم فهمیدند که زندگی‌شان ارتباط تنگاتنگ با محیطی دارد که در آن کار و زندگی می‌کنند و این امر، تشخیص هویت فرهنگی و مرجعی روحی و روانی برای روشی متعادل در زندگی را تسهیل می‌نماید (پورجعفر و

---

1. Edward Burnett Tylor

دهقانی، ۱۳۹۰، ۵۲).

مالینفسکی<sup>۱</sup> دربارهٔ فرهنگ می‌فرماید: «فرهنگ عبارت است از یک سیستم منظم اشیاء و فعالیت‌ها و رفتارهایی که هر جزء و عنصر آن در رسیدن به نتیجه‌ای واحد، سهمی بر عهده دارد.» وی فرهنگ را مجموعه‌ای جدانشدنی از عناصر مختلفی می‌داند که از درون به یکدیگر پیوسته‌اند (روح‌الامینی، ۱۳۹۴: ۹۱).

هرسکویتس<sup>۲</sup> در تعریف فرهنگ چنین می‌گوید: «فرهنگ عمدتاً ساختاری است که بیانگر تمامی باورها، رفتارها، دانش‌ها، ارزش‌ها و خواسته‌هایی که شیوهٔ زندگی هر ملت را بازمی‌نماید... و سرانجام عبارت است از هر آنچه یک ملت دارد، هر کاری که می‌کند و هر آنچه می‌اندیشد» (آشوری، ۱۴۰۱: ۵۰).

روت بندیکت<sup>۳</sup> آمریکایی، از پیشگامان علم مردم‌شناسی، اذعان دارند: «فرهنگ اصطلاحی است جامعه‌شناسیک برای رفتار آموخته؛ رفتاری که با آدمی زاده نمی‌شود و برخلاف رفتارهای زنبورها و مورچه‌های اجتماعی، از راه یاخته‌های نطفه تعیین نمی‌شود، بلکه هر نسل باید آن را از نو از مردم بزرگسال بیاموزد» (همان: ۵۱).

ادوارد تایلور بیان می‌کند: «فرهنگ مجموعهٔ پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به‌عنوان عضو جامعه، از جامعهٔ خود فرامی‌گیرد و در برابر آن جامعه، وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد.» «هیچ جامعه‌ای بی‌فرهنگ نیست و اعتبار هر جامعه به فرهنگ آن است» (منصوری، ۱۴۰۰: ۲۸).

فرهنگ، تلقی و دیدگاه ما از جهان، شیوهٔ زیست جمعی و فردی ما، نشانی از هویتمان، مجموعهٔ درهم‌پیچیده‌ای از اعتقادات، ارزش‌ها و شیوه‌های رفتاری نامیرا، تجلی هنر، موسیقی و ادبیات متکی بر الگوهای ملی، مذهبی، و مدرن است.

---

1. Bronislaw Malinowski  
2. Melville J. Herskovits  
3. R. Benedict

فرهنگ ملی، مجموعه همه ارزش‌ها، الگوهای کهن و اساطیری مان می‌باشد و فرهنگ مذهبی، حاصل اعتقادات شرعی و سننمان است و فرهنگ مدرن، در ارتباط با سایر فرهنگ‌ها و به صورت تحلیل و نقد خود و نوآوری است (حیب، ۱۳۸۸: ۹۳).

اصطلاح فرهنگ، به مفهوم وسیع می‌تواند برای تبیین تمام جنبه‌های خاص از یک زندگی در نظر گرفته شود یا بر نظام ارزش‌هایی دلالت کند که در این روند زندگی نهفته‌اند و هدف فرهنگی، نیز به مفهوم دریافت و گزارش نظام ارزش‌ها و انتقال آن به نسل‌های آینده است. این انتقال در شهرهایی صورت گرفته که مردم در طول تاریخ شهرسازی، دولت و برگزیدگان آن قدرت یادگیری، دریافت و ارزش‌ها را می‌دانند (توسلی، ۱۳۹۷: ۳۵).

شهرها خود نیز شکل و ترکیب یافته فرهنگی هستند. بسیاری از آن‌ها برای آنکه آرایش و تبدیل به زیستگاه زندگی خوشبختانه گردند، هنرمندان، طراحان و معماران را به کار گماشته‌اند. این روش امروز نیز کاملاً پویاست. در تلاشی که صورت گرفت، نماد فرهنگ ایرانی را که سرشتی از فرهنگ و هویت ملی و مذهبی و مدرن است، در پیکره‌اش، یعنی شهر یافتیم.

این نمایش همان است که سبب زایش عاطفه می‌گردد تا فیزیک شهر چون خانه و فراتر از آن، چون بهشت، خانه گمشده و موعود انسان خود را آشکار سازد. مشاهده کردیم که کالبد در ظرف مکانی در گذر زمان، از فرهنگ مردمانش تأثیر پذیرفته است و هنگامی که این نگاه فرهنگی با آگاهی در کالبد جلوه می‌نماید، سخن از زیبایی و برتری کیفی نیز به میان می‌آید. پس می‌توان گفت که فرهنگ، نمودی تعیین‌کننده در ساختار فضای شهری است و در شکل‌گیری فضایی، توجه به فرهنگ اهمیت اساسی دارد. از آنجاکه هر ساخت و سازی در فضای شهری، برخاسته از اندیشه و تفکر برنامه‌ریزان و شهروندان است، آن‌ها بر پایه سطح فرهنگ و تفکرات خویش دست به خلق آثار می‌زنند و بر تأثیرپذیری فضای شهری از فرهنگ تصدیق می‌نمایند (فنی، ۱۳۸۸: ۴۴).

کلمه ساخت از کلمه استراکچر (Structure) و از فعل استرر (Stuere) به معنای ساختن و بنا کردن اخذ شده که تا قبل از قرن ۱۷ میلادی، صرفاً در معماری استفاده می‌شده است؛ زیرا ساخت، محور و ساختاری ثابت، پابرجا و غیرانعطاف میان عناصر و اجزای یک مجموعه است. هنوز در مفهوم آن تردیدهایی است. مثلاً از دیدگاه تئوری‌های مختلف، به خصوص راد کلیف براون<sup>۱</sup>، ساخت دارای مفهومی ذهنی و مطلق و بر پایه آنالیز موقعیت‌های اجتماعی واقعی است، در صورتی که ماکس وبر ساخت را ایده منطقی روابط صریح می‌داند که بنیان یک واقعیت را تشکیل می‌دهد (توسلی، ۱۳۹۷: ۲).

یونسکو در تعریف خود از فرهنگ، فرهنگ را عنصری می‌داند که شامل همه کردارها و عکس‌العمل‌های فرد و محیط اطراف او با پارامتر تحتانی زندگی گروه‌های اجتماعی، یعنی مجموعه تدابیر، شرایط و روش‌های زیست یک جامعه است که بر اساس پایه مشاع از سنت‌ها، باورها، رفتارها و نیز اقسام متعدد گفتار و حقیقت فرد در درون جامعه، به هم متصل شده باشد.

راپاپورت<sup>۲</sup> می‌گوید: فرهنگ در نظر هر فرد عبارت از گزینش‌های مداوم است که فضیلت مطلوب و شایسته او را در مورد زندگی، وجود و محیط زندگی به نمایش می‌گذارد (حسینی بایگی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۴۵).

فرهنگ در انسان‌شناسی، تمام اصول رفتاری ناشی از تلاش‌های انسانی را در بر می‌گیرد. فرهنگ نه فقط به معنای حاکم بودن بر روش‌ها، کاردانی‌ها و سبک‌های متعارف در قلمرو هنر، موسیقی و ادبیات است، بلکه در بردارنده نحوه سفال‌سازی، دوزندگی ساخت‌وساز هم می‌شود (پهلوان، ۱۳۹۹: ۴۲).

در یک تعریف جامع می‌توان گفت: «فرهنگ شامل عناصری کمابیش هماهنگ و ساختاری از پدیده‌های خدادادی و به دست آمده در زمینه‌های رفتاری و فکری که در طول زمان و مکانی مشخص در جامعه‌ای خاص گسترش یافته و مورد پذیرش‌اند و از طریق سیر و عمل اجتماعی از نسلی به نسل دیگر واگذار می‌گردند» (فکوهی، ۱۴۰۱: ۱۰۱).

- 
1. Alfred Radcliffe-Brown
  2. Amos Rapoport

نگرش تازه به مفهوم فرهنگ این است که فرهنگ برای قشرهای مختلف در جاهای مختلف و در ادوار مختلف، مفاهیم و ارزش‌های مختلفی دارد. فرهنگ عموماً شامل دو گروه از پدیده‌هاست: پدیده‌های رفتاری یا مادی و پدیده‌های فکری یا غیرمادی. فرهنگ مادی به پدیده‌هایی اطلاق می‌گردد که مشهود و قابل لمس و قابل اندازه‌گیری است؛ مانند فن‌ها، ابزارهای کاربردی و تولیدی، داروهای شیمیایی، شیوه‌های پزشکی، وسایل موتوری، نوآورهای الکترونیکی و...؛ فرهنگ غیرمادی به موضوعات و مسائلی گفته می‌شود که قابل اندازه‌گیری با میزان‌های کمی نیست و به راحتی نمی‌توان آن‌ها را مقایسه و سنجش نمود؛ مانند اعتقادات، معیارهای قومی، زبان، هنر، ادبیات، رسوم و... که در واقع ساختار و هویت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می‌دهد. بعضی از تجزیه‌کردن‌ها فقط فرهنگ غیرمادی را «فرهنگ» نامیده و مطالعه آن را کار مردم‌شناسی و فرهنگ مادی را «تمدن» دانسته، تحقیق درباره آن را موضوع جامعه‌شناسی می‌دانند (حسینی بایگی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۴۶). در مجموع نمی‌توان فرهنگ مادی و غیرمادی را از یکدیگر جدا ساخت. به هم پیوستگی فرهنگ مادی و غیرمادی هرچند آشکارا مشخص نیستند، تأثیر آن‌ها (مستقیم یا غیرمستقیم) به تدریج و با توجهی اندک هویدا خواهد شد (Anderson & Taylor, 2008: 59). اولین وظیفه هر فرهنگ تطبیق با محیط فیزیکی است، زیرا هر محیطی ابزارهای مختلفی برای رشد فرهنگ مشخص می‌نماید و فرهنگ نیز اکثراً از طریق آزمون و خطایی اقتدارگرایانه بر طبیعت برای حل مسائل روزمره محیطی توسعه می‌یابد. هرچند فرهنگ بخش‌هایی از عناصر محیطی را برمی‌گزیند، به ندرت دسترسی به آن‌ها، این فرایند را مورد خطر قرار می‌دهد. از این نظر فرهنگ زمانی رسوخ پیدا می‌کند که انسان در کارآمدترین چهره پیرامون تطبیق با محیط برآید (محمدی اصل، ۱۳۹۷: ۱۶۸). شناخت شهرسازی می‌تواند به منزله شناخت جامعه باشد، اما شهرسازی در دوران مدرنیسم کم‌رنگ و گاهی نادیده گرفته شده است. از آنجاکه معماری به عنوان یک پدیده اجتماعی از فرهنگ نشئت می‌گیرد و به آن تأثیر می‌گذارد، سبک معماری هر دوره انعکاسی از فرهنگ و هنر آن محسوب می‌شود. امروزه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های معماران ایرانی ساخت خانه‌ای

مطابق فرهنگ ایرانی شده است؛ لذا مقاله حاضر سعی در معرفی شهرسازی ایران دارد و ارتباط آن با فرهنگ را بررسی می‌نماید. امید است با هرچه بهتر شناختن شهرسازی و استفاده از آن به رابطه فرهنگ و معماری همت گمارده و نیز امانتدار مناسبی برای آیندگان و نسل بعد باشیم (قنبری و ایران‌منش، ۱۳۹۴).

در ایران طی نیم‌قرن گذشته همانند دیگر کشورهای در حال توسعه، شهر و شهرنشینی از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است؛ به‌گونه‌ای که جمعیت شهرنشین از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۷۱ درصد در سال ۱۳۹۰ و همچنین تعداد شهرها به‌ترتیب از ۱۹۹ شهر به بیش از ۱۴۰۰ شهر در سال ۱۴۰۱ رسیده است (سازمان شهرداری‌های کل کشور، ۱۴۰۱). با برتری تعداد جمعیت شهرنشین، به‌مرور از تعداد جمعیت مراکز روستایی کاسته شده است. با توجه به اهمیت شهر و شهرنشینی و تحولات آن در جهان سوم، به‌ویژه در کشور ایران از یک‌سو و نبود پژوهشی در باب تأثیر فرهنگ بر برنامه‌ریزی در فرهنگ شهرسازی ایران از سوی دیگر، ضرورت دارد ضمن تبیین نظریه‌های مختلف در باب تأثیر فرهنگ بر برنامه‌ریزی در فرهنگ شهرسازی ایران، چگونگی ارتباط آن‌ها بررسی و تبیین و تشریح شود. هدف اصلی در این پژوهش تحلیل و بررسی تأثیر فرهنگ بر برنامه‌ریزی با تأکید بر فرهنگ شهرسازی در ایران است. لذا سؤال اصلی پژوهش بدین صورت مطرح می‌گردد: آیا برنامه‌ریزی و رشد شهر و شهرنشینی موجب توسعه فرهنگ شهرسازی در یک ساختار فرهنگی می‌گردد؟

## ۲. پیشینه پژوهش و مروری بر مبانی نظری پژوهش

رسول ربانی و فریدون وحید در سال ۱۳۸۵ معتقدند که فضا، فرهنگ است و فرهنگ، فضا. این جمله اهمیت اصلی تاریخ جوامع را تشریح می‌نماید. روابط دوسویه افراد و فضاها، از نسلی به نسل دیگر و در جریان توسعه جوامع نقش می‌بندد. این همان چیزی است که «روح فضا» نامیده می‌شود. هر جامعه درصدد ایجاد فضای مخصوص به خود است و به‌دنبال این فضاها، ویژه نیز بسترهای رشد، گسترش و توسعه فرهنگ به وجود می‌آید (Rabani & Vahida, 2006: 47).

نورسیدا یوجانگ و خلیلا زکریا در سال ۲۰۱۵ به اهمیت ابعاد روان‌شناسی مکان و روان‌شناسی اجتماعی مکان در حیات و بازآفرینی فضاهای شهری و نقش مؤثر آن بر سلامت روانی شهروندان تأکید نمودند. آن‌ها بر این اصل بودند که سلامت روان شهروندان یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری جوامع شهری است که می‌توان آن را به کمک اهمیت مکان و درک مکان و پیوند مباحث روان‌شناسانه از مکان، گسترش، توسعه و بهبود بخشید (Ujang & Zakariya, 2015: 709).

شون لیو و لوئیس تئوچانگ نیز در سال ۲۰۱۶ در جوامع توریسم محور، از اهمیت این موضوع اظهار می‌دارند. روش‌های مشترک تعلق مکانی و اجتماعی در جوامع توریسم محور و تأثیرات بسزای آن بر مراودات، تعاملات و تجارت شهروندان (بین عرضه‌کننده و متقاضی) حاکی از اهمیت نقش حس مکان در جوامع بزرگ با فرهنگ‌های مختلف است (Shuwen & Cheung, 2016: 174).

بنیان هر شهر از یک سو نمایانگر هماهنگی فضایی کالبدی شهر با شرایط و عوامل زمان و از سوی دیگر، گویای چگونگی جریان عملیات اصلی شهر است (پوراحمد و یزدانی، ۱۳۸۴: ۳۰).

در دوره‌های مختلف تاریخی، شکل‌گیری متفاوتی از فضاهای شهری دیده می‌شود. ریخت‌شناسی و شکل شهر، در آرایش‌های مختلف اجتماعی اقتصادی جهان گوناگون است. بر همین مبنا در ایران قبل و بعد از اسلام، عرصه‌های شهری خاصی شکل گرفته که یکی از عوامل تأثیرگذار در شکل این شهرها در هر در مقطعی، عامل فرهنگ بوده است (امان‌پور و سعیدی، ۱۳۹۶: ۸۶).

ظهور این عوامل و اعتقادات در ساختار فضاهای شهری، نشان از این واقعیت دارد که هرچه بنیادهای فرهنگی ملتی استوارتر و ریشه‌دارتر باشد، دوام و استحکام آن ملت پابرجاتر خواهد بود (سجادزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۴).

در طول تاریخ، فرهنگ و معماری ایرانی از یکدیگر منفک نبودند و معماری از فرهنگ مردمان پرورش می‌یافت. درون‌گرایی، محرمیت، پیوند با طبیعت، هندسه، تناسبات و



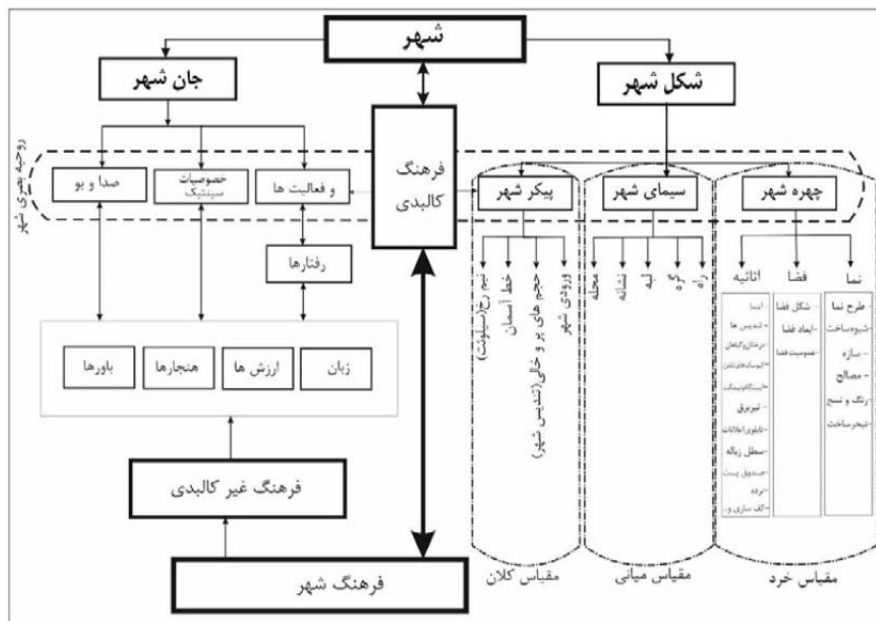
اندازه‌های به‌کاررفته، شفافیت و تداوم، تعادل و توازن، راز و ابهام به‌کاررفته در بناها، همه به‌نوعی بیانگر فرهنگ خانواده‌های ایرانی و اسلامی ساکن در آن ابنیه است. با گسترش روند جهانی شدن، تصویر عمومی بسیاری از اشکال معماری، به‌ویژه در کلان‌شهرها به‌سمت نوعی شبیه‌بودن و هم‌نوعی در شکل و مفهوم سوق داده شده است؛ به‌صورتی که این ساخت‌وسازها بیش از اینکه در هماهنگی با بستر محلی، فرهنگی و ارزش‌های آن باشند، به نمونه‌های مشابه خود در اقصانقاط دنیا همانندی دارند. همچنان‌که محیط و شرایط زیست بشر در گذر زمان منقلب شده و نیازها و خواسته‌های او نیز جابه‌جا شده است، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی نیز به‌تناسب آن دگرگون شده‌اند. جمعیت جهان رو به فزونی است و مکان‌های جمعیتی روزبه‌روز گسترده‌تر و متراکم‌تر می‌گردد. میزان منابع طبیعی، آب، هوا و زمین که معمولاً ناچیزند، با روند افزایش جمعیت استفاده‌کننده کاهش می‌یابند. تأثیر این برتری و توسعه چه ما آن را خوب در نظر بگیریم یا بد، در موارد گوناگون، موجب افزایش مقیاس تراکم در مقیاس شهرها شده است. از بین رفتن حرایم خصوصی، ایجاد اشرف، تخریب حرایم ارتفاعی و زدودن حیات واقعه‌ای در فضاهای باز و... نمادی می‌باشد از فقدان برنامه‌های مفید و اثربخش برای جایگزینی تراکم کالبدی که عناصر فرهنگی را به‌عنوان عامل‌های اولیه مورد توجه قرار نداده است (سخنی‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۱۱).

شهرسازی امروز به‌دلیل عمده مسائل تازه، به‌ویژه مشکلات فرهنگی و خواسته‌های روحی، روانی و عاطفی مردم، دستخوش تحولات اساسی شده است. گسترش گرایش به شهرسازی کارآمد یکی از بارزترین این عامل‌هاست. شهرسازی اثربخش برخلاف شهرسازی مدرن الگویی یکسان و سمت‌وسویی یکجا نداشته و هر منطقه بر اساس توان‌های انسانی، زیست‌محیطی، اقتصادی، فنی و علمی خود نظام شهری مخصوص خود را فراهم می‌کند. امروزه فرهنگ جوامع به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی در برنامه‌ها و طرح‌های شهری جلب توجه قرار می‌گیرد (اخوان‌خرازی، ۱۳۸۷: ۵۲).

محیط کالبدی که ما به وجود می‌آوریم، به همان اندازه‌ای که پدیده‌ای ساختاری است، پدیده اجتماعی نیز هست. فرهنگ از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار در رفتارها، و یکی از متغیرهای وجود انسان است که همیشه همراه اوست، ولی در بیشتر موارد به‌طور مستقیم به آن توجه نمی‌شود.

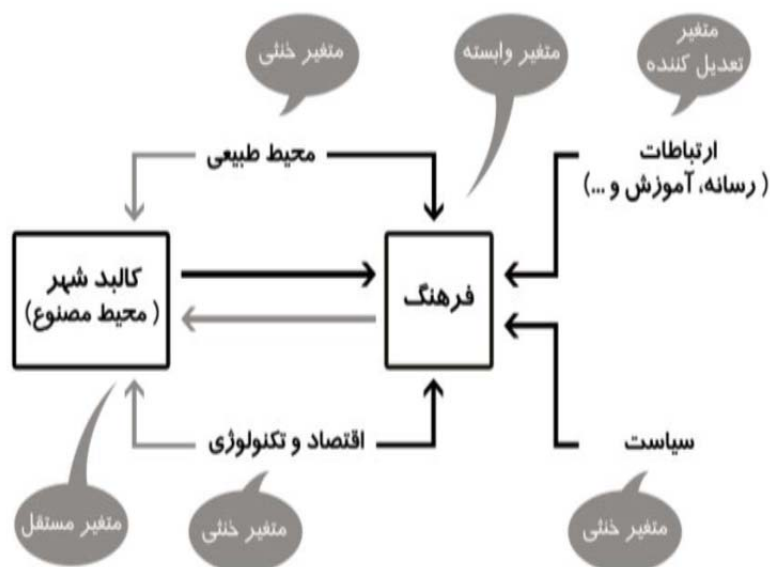
روند حاکم بر دگرگونی‌های شهری، گرایش به سمت همانندسازی و انهدام هویت‌های فرهنگی (ملی و محلی) دارد. نگاهی به نحوه ایجاد هویت‌های کالبدی در شهرها می‌تواند گامی در جهت شناخت ریشه بحران بی‌هویتی در شهرها باشد.

فضاهای شهری در جریان ساخت و ساز در کشور ما، مورد بی‌توجهی فراوان واقع شده‌اند. در بهترین شرایط، نگاه به این فضاها از یک ضرورت صرفاً عملکردی است که در حیطه تک‌روی شخصی هستند. در هر دو حالت، اعتبار فضای شهری برخاسته از سرشت و وابسته به پیشامدهای و دادوستد اجتماعی جاری در آن نیست، بلکه این فضاها اعتبار خود را حداکثر از انبوه‌های ساختاری یا کارکردی که در خدمت آن است، عاریت می‌گیرند.



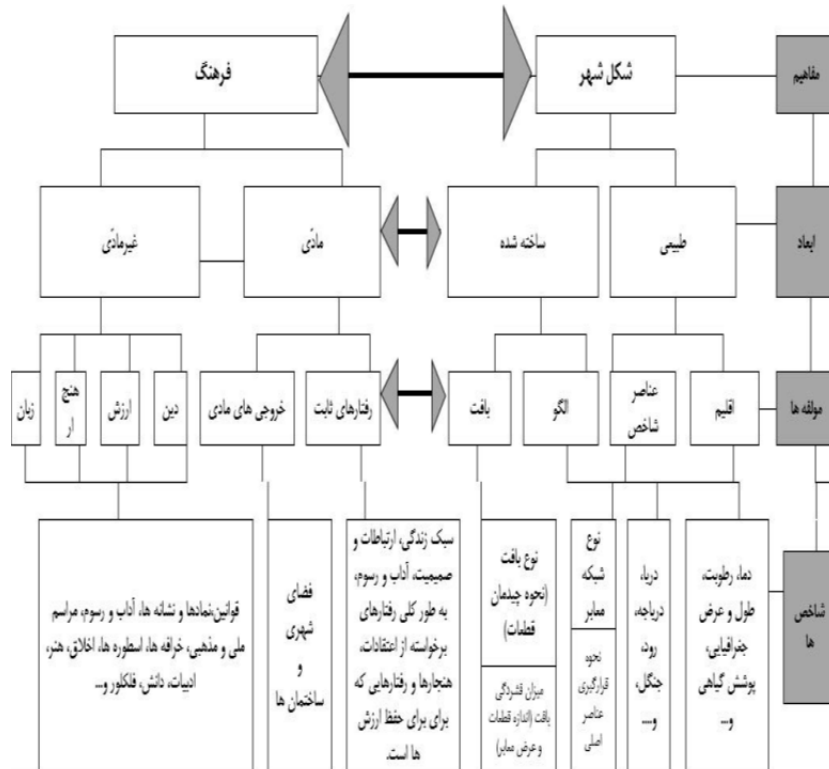
شکل ۱: چهارچوب نظری پژوهش (خستو، ۱۳۹۹: ۴۵۰ و مطالعات نگارندگان)

در ابتدا شهر تحت تأثیر موارد گوناگون شکل می‌گیرد؛ سید محسن حبیبی این عوامل را به‌طور کلی برای ایران قدیم به سه دسته باورها و جهان بینی، اقتصاد و اقلیم دسته‌بندی می‌کند (حبیبی، ۱۴۰۰: ۴). در شهر باستان ایرانی عقاید محکم مردم در ساخت شهر نمایان می‌شد، ولی امروز بیش از همه، اقتصاد و تکنولوژی خودنمایی می‌کند. در شکل ۱ نشان داده شده که چگونه سه عامل فرهنگ، محیط طبیعی و اقتصاد و تکنولوژی شکل شهر را می‌سازند و خود فرهنگ نیز به‌وسیله همان‌ها به‌علاوه سیاست و ارتباطات، سبب دگرگونی می‌گردد.



شکل ۲: مفاهیم و متغیرها (خستو، ۱۳۹۹: ۴۵۱ و مطالعات نگارندگان)

با توجه به شکل ۲، اگر سیره زندگی، مراودات، همدلی، رسوم و به‌طور کلی کردارهای برخاسته از عقاید، معیارها و روش‌هایی باشد که برای حفظ ارزش‌هاست، آن را فرهنگ مادی در نظر می‌گیریم. فرهنگ غیرمادی شامل چهار عامل زبان، ارزش‌ها، هنجارها، و باورها می‌شود. بنابراین منظور از فرهنگ در این اینجا فرهنگ غیرمادی است. آنچه در شکل ۲ مشاهده می‌شود، این است که شکل شهر و فرهنگ و همچنین ابعاد رویه‌های آنها، دارای ارتباط دوطرفه‌اند.



شکل ۳: مدل مفهومی ارتباط عناصر فرهنگ با فرم شهر (خستو، ۱۳۹۹: ۴۵۱)

می توان گفت که فرهنگ یک جامعه نوع اقتصاد، و اقتصاد آن جامعه نه تکنیک، و نوع تکنیک، بلکه ساخت و نظام کالبدی آن جامعه را مشخص می سازد. بدین ترتیب سه فرهنگ اسلام، غرب و سوسیالیسم که دارای نظام های اقتصادی اجتماعی گوناگون از همدگرند، شکل ساخت شهری متمایزی را ایجاد کرده اند.

### ۳. فرهنگ و فرهنگ شهری

فرهنگ و تمدن به معنای وسیع انسان شناختی آن، مجموعه ای کلی از دانش، اعتقاد، هنر، قانون اخلاقی، رسوم و هرگونه قابلیت ها و عادات دیگری را در نظر دارد که انسان به عنوان جزئی از جامعه، آن ها را کسب می کند. فرهنگ به معنای وسیع آن، در میان گروه های اجتماعی از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. برخی از علوم فرهنگی همچون

مقیاس زمان احتمالاً در بین اکثر عضوهای یک گروه اجتماعی مشخص، به‌درستی شناخته شده‌اند، ولی گونه‌های دیگری از علوم مانند داستان‌های یا اسطوره‌های خاص هستند که احتمال دارد همه افراد، شناخت اندکی از آن‌ها داشته باشند. از آنجاکه فرهنگ بر روش اندیشیدن انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، ناگزیر بر شیوه آن‌ها نیز بی‌تأثیر نیست. به‌هرحال، فرهنگ برخلاف ویژگی‌های ژنتیکی انسان، به‌جای آنکه از راه‌های ژنتیک انتقال یابد، از راه‌های اجتماعی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد (Coleman & Watson, 1993: 5).

در بُعد تاریخی، شهر نقطه‌ای است که در آن حداکثر تمرکز قدرت و فرهنگ یک مجموعه نمایان می‌گردد (Mamfred, 2006: 21). در جامعه‌شناسی، مفهوم فرهنگ همراه با مفهوم جامعه، خیلی آمده است و عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، معیارها و ضوابطی که از آن هدایت می‌یابند و عوامل مادی که خلق می‌کنند (Giddens, 1998: 36). فرهنگ شهری را می‌توان در سه قالب دسته‌بندی کرد: ۱. به‌معنای سیر زندگی و دربرگیرنده مجموعه‌ای از معیارها، ارزش‌ها، اعتقادات و نگرش‌ها؛ یعنی نوع زندگی در شهر، به‌معنای پیروی فرد شهرنشین از اصول و قواعد مانند احترام به قوانین شهری، رعایت حقوق فرهنگی و مذهبی دیگران؛ ۲. توجه و احترام به مجموعه کالبدی، طبیعی و نشان‌هایی که معنای خاصی را برای شهرنشینان به وجود می‌آورد و ممکن است به باورهای ذهنی و روانی آن‌ها مربوط باشد. ۳. جنبه‌ای از معنای فرهنگ شهری، توجه به منابع فرهنگی از جمله خرده‌فرهنگ‌ها، بناها و آثار تاریخی، آداب و رسوم، فولکلور و دیگر منابعی که زاده زیستگاه شهری هستند. از ویژگی‌های بارز فرهنگ شهری، پیچیده بودن و تفاوت کمی و کیفی عوامل آن است (صرافی، ۱۳۸۳: ۲۳).

دیدگاه فرهنگ‌گرایان متأثر از اندیشه‌های شهرسازان قرن نوزدهم، همچون راسکین<sup>۱</sup>، موریس<sup>۲</sup>، کامیلوسیت<sup>۳</sup>، اوژن ویوله<sup>۴</sup> و...، تأکید بر ارزش‌های فرهنگی بومی در شهر است.

- 
1. John Ruskin
  2. Maurice
  3. Camillo Sitte
  4. Eugene Viollet-Ie

فرهنگ‌گرایان توجه به ارزش‌های بومی و فرهنگی را به‌عنوان پایه مداخله کردن می‌دانند. فرهنگ‌گراها بر این باورند که فضاهای شهری باید متناسب با ساختارهای فرهنگی و فضاهای شهری گوناگون و غیرقابل پیش‌بینی باشد (شماعی، ۱۳۸۹: ۹۹). این دیدگاه در نگاه به شهر محورهای معنوی را بر محورهای مادی بهتر و بالاتر در نظر دارد و کل شهر یا مجموعه شهر را بر جزء چیره می‌داند و مفهوم فرهنگی شهر بر مفهوم مادی آن تواناست. شهر فقط از طریق سازمان‌های اجتماعی فرهنگی زنده و پویا می‌شود. برگشت به گذشته و توجه به زیبایی‌شناسی و انعطاف‌پذیری از مشخصات بارز آن است (زیاری، ۱۳۹۶: ۱۴). همچنین شهر را معمولاً کانون یادگیری به‌دست‌آمده، ارتباطات، قراردادهای الزام‌آور، شلوغی، منفعت‌طلبی، فردگرایی، آزادی، تنهایی و گمنامی، بدخویی، بی‌توجهی، تعقل و خردورزی، ابزارگرایی، نقش‌ها و روابط رسمی و غیرشخصی، عقلانیت و حسابگری، روح سودجویی و مادی‌گرایی، قانون‌گرایی، سطحی‌نگری و مصنوع بودن روابط و یا به جابه‌جایی تازه کانون، تقسیم کار درهم و تخصصی شدن کارکردها، مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی، تغییرات اجتماعی و تحرک فرهنگی، قدرت و ثروت و منبع اطلاعات و نوآوری می‌دانند (افروغ، ۱۳۹۶: ۱۱۰).

#### ۴. رابطه فرهنگ با طراحی فضاهای شهری

هرچه فضاهای شهری سازگاری بیشتری با رفتارهای انسانی که ریشه در فرهنگ جوامع دارند زیادتر باشد، آن جامعه توانایی فرهنگی بیشتری خواهد داشت. جامعه شکوفا، توانمند و سالم نیاز به فضایی دارد که نه فقط در جهت آسایش و رفاه افراد و گروه‌ها عمل کند، بلکه رویه‌های مفید، شایسته و مطلوب را تشویق و رفتارهای نامطلوب را کنار بزند (Pakzad, 2006: 76).

فضای شهری فضایی فرهنگی کالبدی است که بر اساس نیازها و فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنان آن شکل گرفته و بستری برای رفتارهای ساکنان آن است. به همان مقدار که رفتارها و فعالیت‌ها بر همگرایی شهری اثر می‌گذارند، فضای شهری نیز بر این فعالیت‌ها اثرگذار است. پس طراحی شهری فرایندی است خلاق که نمود و تبلور فرهنگی

ارزش‌های جامعه است. نکته مهم و قابل توجه این است که در هنگام طراحی، به ویژگی‌های بارز فرهنگی جامعه توجه شود (Bahreyni, 2003: 47).

فرهنگ همیشه از اصلی‌ترین ارکان زندگی بشر بوده است. در دنیای کنونی، تغییرات فرهنگی به‌طور واضح به چشم می‌خورد و عوامل مؤثر بر این تغییرات به موضوعی بحث‌برانگیز مبدل شده است. عناصر شکل فرهنگ نظیر زبان، جهان‌بینی، مذهب، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها، ارزش‌ها، هنجارها و معیارها، هنر، علوم و فناوری، تاریخ و میراث، داستان‌ها و افسانه‌ها، عرف‌ها و قانون‌ها، نمادها، عادات رفتاری و سبک‌های زندگی بر اثر موضوعات متفاوت در حال تغییرند. از مصداق‌های تغییر فرهنگ در ارتباط با ساختار شهر می‌توان به تحول در ارزش‌ها از درون‌گرایی به برون‌گرایی، دگراندیشی در اعتقادات، دگرگونی در آداب و رسوم، تعویض در زبان، نگرش در جهان‌بینی (مثلاً رفتن به سوی تجمل‌گرایی) و... اشاره کرد. مسائل و مشکلاتی از قبیل بیگانگی افراد نسبت به هم، انفعال اجتماعی، ناهنجاری‌های رفتاری، کم‌رنگ شدن آداب و رسوم، تحول در ارزش‌ها، سرکشی، تجملات و سایر مشکلات اجتماعی، ضرورت پرداختن به عوامل مؤثر بر تحولات فرهنگ را نمایان می‌کند (حسینی بایگی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۴۴).

##### ۵. تغییر فرهنگ به‌واسطه کالبد در ایران

فلات ایران زیست‌بوم انواعی از اعتقادات، رسم‌ها، سنت‌ها و نشانه‌های آیینی است. از زاویه‌ای دیگر به‌جهت موقعیت جغرافیایی، تاریخی و زبان، محل حضور اقوام و ملت‌های مختلف نیز می‌باشد. به همین دلیل یک محور و مسیر فرهنگی به حساب می‌آید و مبنی بر باورها و نمادهای آیینی ملت‌های دیگر نیز بوده و می‌باشد (جهانبخش، ۱۳۹۶: ۹۳).

در شهرسازی سنتی ایران، مردم دارای یک زندگی فردی (خانواده) و یک زندگی جمعی (اجتماع) هستند. ارتباط اجتماعی در یک فضای همسایگی (محله) از پیش‌نیازهای زندگی در شهر محسوب می‌شود. ارتباط خانواده‌ها با یکدیگر، بازی کودکان با هم، روابط مردم محله‌ها، محل اجتماع و انجام مراسم مختلف در شهرهای ایران به‌لازمه برقراری رابطه صمیمی و اجتماعی مردم با همدیگر توجه دارد. این مورد در طرح محله‌ها و نواحی

شهری در ایران به خوبی آشکار است (شیعه، ۱۳۹۸: ۴).

در شهر، هر معبر اصلی نیز کمابیش به فضاها و فعالیت‌های عمومی اختصاص داشت، اما معابر فرعی بیشتر مخصوص محله‌های مسکونی فعالیت‌های نیمه‌عمومی بودند؛ چنان‌که بیشتر این‌گونه معابر محل تجمع زنان و بازی بچه‌ها (در برخی اوقات روز مانند عصرها) بود. دامنه کارکردهای معابر چنان گسترده و متنوع بود که در بعضی از شهرها از معابر بسیار کم‌عرض موسوم به (کوچه آشتی‌کنان) برای آشتی دادن افرادی که بین آن‌ها کدورت وجود داشت، استفاده می‌کردند (سلطانزاده، ۱۳۹۲: ۱۷).

از سوی دیگر در شهر کهن ایرانی، فضاهای شهری بستری برای برگزاری انواع مراسم ملی مذهبی (جشن‌ها و عزاداری‌ها) بود. کیفیت اجرای برگزاری بسیاری از مراسم مثل تعزیه به محل و امکانات آن بستگی داشت.

با افزایش جمعیت شهرها بلندمرتبه‌سازی و فزونی تعداد طبقه‌ها رونق گرفت؛ به‌گونه‌ای که گاه بلندی تعداد مجتمع‌های آپارتمانی و تعداد طبقه‌ها معیاری برای نشان دادن اهمیت اعتبار، ترقی و توسعه به حساب می‌آمد (همان: ۷۷).

امروزه در شهرها عدم تناسب، کمی هویت، جانمایی، تقلید، پیروی کردن، فردگرایی، مصرف‌زدگی، تجمل‌گرایی، اهتمام در تمایز از همگان، فشار روانی، آلودگی، زشتی، فقدان دوستی و آشنایی و موارد بسیاری کمبودها که لازمه زندگی انسانی هستند، در ساخت‌وساز مسکن‌های شهرها به چشم می‌خورد. کالبد و فضاهای زیستی کاملاً متقلب شده و با گرایش به همانندی به‌سوی نمونه‌های وارداتی می‌روند؛ اسم‌ها و فضاهایی از قبیل آپارتمان، ویلا، سوئیت، پارک به همراه نابودی فضاهای بومی رشد یافته‌اند که قاعده خاصی از رفتار و فرهنگ را می‌طلبند. (با ورود لغات جدید به زبان) از این به‌بعد آپارتمان‌سازی، کوچک‌سازی و پیروی از الگوهای مدرن موجب سستی و ازهم‌گسیختگی ارزش‌های گذاشته می‌شود.

شاردن<sup>۱</sup>، بازرگان فرانسوی، در سفرنامه خود نوشته است: ایرانیان با خوب و بد

---

1. Jean Chardin



زندگی، سختی‌ها، ستم‌ها، فرازونشیب‌های آن از دیدگاه فلسفی برخورد می‌کنند؛ نه از بد روزگار هراس دارند و نه از خوب آن غره می‌شوند. او همچنین از آداب‌دانی ایرانیان در نامه‌نگاری سخن گفته است (شاردن، ۱۳۵۰، ج ۳: ۸۶۲).

اسلامی ندوشن معتقد است فرهنگ ایران بعد از اسلام، فرهنگ کلامی است؛ منظور از کلامی بودن این است که بیشتر ظواهرسازی فرهنگی ما از طریق بیان صورت می‌پذیرد. برخلاف برخی از کشورهای دیگر یا حتی خود ایران قبل از اسلام که فرهنگ از طریق هنرهایی چون موسیقی، نقاشی و مجسمه‌سازی و... پدید می‌آمده است، در اینجا تقریباً بار هنرهای دیگر را زبان و به‌خصوص زبان شعر به عهده گرفته است (اسلامی ندوشن، ۱۳۹۴: ۱۵۲).

#### ۵. رابطه فرهنگ و ساخت شهر

سه عامل فرهنگ، اقتصاد و اقلیم، مشخصه‌های فیزیکی، فرم، ساخت و ریخت‌شناسی شهری را تشکیل می‌دهند. فرهنگ‌های متعدد، نظام‌های اقتصادی گوناگونی را به وجود می‌آورند و توان جابه‌جایی اهداف اقتصادی و سیاسی یک جامعه را دارا هستند؛ چون درک کامل یک شکل و یک نظام اقتصادی بدون دانستن شالوده و عناصر فرهنگی آن نظام هموار نیست.

#### ۱-۵. فرهنگ سوسیالیسم و ساخت شهر

فرهنگ سوسیالیست نظام اقتصادی اجتماعی کالبدی بلوک شرق را دگرگون نمود. در نظام سوسیالیستی، اقتصاد جمعی است که به قدرت دولت مرکزی نیاز دارد و وظیفه آن تعیین اهداف اقتصادی مشخص، رفع نابرابری‌ها و از بین بردن مالکیت خصوصی است. در شوروی سابق، به‌عنوان نمادی از سوسیالیسم، شکل، مکان، بافت و کارایی اقتصادی شهرهای کوچک و بزرگ عملاً از سیاست‌ها و تجارت تأثیر می‌پذیرفت که از نظر تاریخی از مسکو آغاز شده و به‌صورت سلسله‌مراتبی و پی‌درپی به مکان‌های روستایی انتقال می‌یافت و نیروی محرکه این استراتژی‌ها را فرهنگ و برنامه‌ریزی سوسیالیسم تشکیل می‌داد.

جنبه‌های اصلی ساخت شهر در شوروی سابق تحت تراکم بالای جمعیت، دسترسی به زمین، نبود تفاوت‌های فضایی بین گروه‌های اجتماعی، نظم و ترتیب نسبی از نظر خدمات عمومی، ساختار شغلی مشخص، تکیه به حمل و نقل عمومی، غلبه سیاست، نبود رقابت فردی در چشم اندازهای شهری و سیاسی، سرانه پایین و جدایی‌گزینی بوم‌شناسی بود (زیاری، ۱۳۸۲: ۹۸).

از این رو در فرهنگ سوسیالیسم، ساخت و ساز ویلاهای شهری باغچه‌دار و مسکن‌های تک‌خانواری در شهرهای بزرگ ممنوع بود. بعد از سقوط سوسیالیسم، تغییرات عمده‌ای در ساخت فضایی کالبدی شهرها و توسعه جوامع محلی به وجود آمده که بر فرم، تراکم و تنوع شهرها نیز تأثیر گذاشت. از نظر فرهنگی، برنامه‌ریزان شوروی سابق در ساخت شهرها، مدل عقلایی محله، شهر و منطقه مادرشهری را در نظر داشتند که در آخرین روزهای حیات سوسیالیسم وعده الگوی «انسان - مرکز» را در ساخت چشم‌اندازها می‌دادند.

در مجموع فرهنگ سوسیالیسم ساخت نوعی خاص از فضای شهرها را به وجود آورد که از نظر نظام کالبدی، دو تکه و با دو فرهنگ متمایز و معین بود.

## ۲-۵. فرهنگ غرب و ساخت شهر

ساخت شهرهای غرب از عوامل تاریخی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تأثیر پذیرفته، به طوری که خیلی از شهرهای اروپایی، تنها کانون بزرگ فرهنگی ملت‌های آن جوامع بود. مطالعاتی که توسط هارلن باروز<sup>۱</sup> از مکتب شیکاگو در مورد شهرهای آمریکا صورت گرفت و سپس به وسیله کارل ساور<sup>۲</sup> از «مکتب برکلی» تکمیل شد، نقش گروه‌های فرهنگی، مذهبی و زبانی را در فرم سازمانی فضایی کالبدی (شهر، محله، مسکن) مؤثر می‌داند و معتقد است که منظرهای فرهنگی در کالبد دورنماهای طبیعی و به وسیله گروه‌های فرهنگی شکل می‌گیرند. پس در غرب یک عامل مسلط است و منطقه طبیعی

---

1. Harlan Barrows  
2. Carl O. Sauer

به‌مثابه زمینه‌ساز عمل می‌کند. بنابراین فرهنگ نتیجه کار است و نظام کالبدی، الگوها و ویژگی‌های فرهنگ جامعه را تشریح می‌کند.

میچل کانزن<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۸، تفاوت‌های فرهنگی را در داخل شهرها و میان‌شهرها در فرم شهرها، به‌عنوان عامل‌های اصلی ذکر می‌کند. وی ضمن اشاره به تأثیر «داروینیسیم اجتماعی» بر زندگی مردم آمریکا، به نقش عوامل سیاسی و زمینه‌های فرهنگی در مورد مورفولوژی شهرها اشاره می‌کند (Conzen, 1973: 293).

پس تمام نظریه‌پردازانی که مورفولوژی و نظام اکولوژیک شهرها را در غرب بررسی کرده، از مکاتب گوناگون به تحلیل آن پرداخته‌اند، به تأثیر فرهنگ غرب در ساخت‌ها و نظام کالبدی و جدایی‌گزینی اکولوژی اشاره مستقیم دارند که از آن جمله می‌توان به رابرت پارک<sup>۲</sup> از «مکتب شیکاگو»، لوئیس ورت<sup>۳</sup> جامعه‌شناس شهری، و آموس هاولی<sup>۴</sup> از «مکتب نیواکولوژیک» اشاره کرد. در این خصوص «آرمان‌گرایان» برای عامل فرهنگ و ایدئولوژی نقش بیشتری قائل‌اند. امروزه نیز تسلط عامل فرهنگ و ایدئولوژی را به‌وضوح می‌توان در شهرهای قرون‌وسطایی، فئودالی، رنسانسی، صنعتی و فراصنعتی دید. از انقلاب صنعتی تاکنون مکاتب فرهنگی متعددی در چشم‌اندازهای شهری و مکانی مؤثر بوده، به‌طوری‌که دیدگاه‌های مکاتب شهرسازی آرمان‌گرایی، اصلاح‌طلبی، فرهنگ‌گرایی، نوگرایی، فرانوگرایی، تکنوتوپ، و فراتر از فرانوگرایی نوعی خاص از نظام بشری را رواج می‌دارند. فرضاً مکتب فرانوگرایی، نوعی شهرسازی کثرت‌گرا را مطرح ساخته، محیط‌زیست را به کاربری‌ها و سبک‌های مسکونی نامتناسب گسیل می‌دهد و از وحدتی که در مکان‌های منظم، ساخت اجداد و پیشینیان وجود دارد، کاملاً مخفی می‌کند.

در مکتب «فراتر از نوگرایی» سنت‌ها دوباره کشف می‌شوند. در این مکتب شهرها بر اساس مسکن، صنعت، تجارت، تفریح منطقه‌بندی جمعی بر اساس ایمان و دلسوزی ساخته می‌شوند. می‌توان گفت که مکاتب فرهنگی دیگری همانند مکتب دوگانگی

---

1. Michl Conaen  
2. Robert E. Park  
3. Louis Wirth  
4. Amos Hawley

«ثبوت»، اثبات گرای، تجربه گرای، سرمایه داری، مصرف گرای، خردگرای، نسبت گرای، کلان گرای، انحصارگرای، بدبینی، هرکدام ایدئولوژی خاصی در ساختارهای شهری و خلق چشم اندازها دارند (ترنر، ۱۳۹۶: ۱۶).

در مجموع، برنامه ریزی شهرهای سرمایه داری مبتنی بر تولید، مدیریت، ایجاد مساکن خصوصی، جاده، راه آهن، شبکه های ارتباطی و پارک هاست.

### ۳-۵. فرهنگ اسلامی و ساخت شهر

اصولاً شیوه شهرسازی ایرانیان قبل از اسلام بر سبک های بخصوصی مبتنی بود. در هر دوره با توجه به فرهنگ آن ها، الگویی خاص مدنظر بود. در دوره ماد (قرن ۷ قبل از میلاد) سبک پارسی حاکم بود که دگرگونی های شهر از تغییرات قدرت سیاسی و اقتصاد مبتنی بر (غارت) شکل می گرفت و فرهنگ مذهبی یا مقوله جهان بینی در ساخت های کالبدی تأثیر زیادی داشت. در دوره هخامنشیان، سبک پارسی متداول بود و فرهنگ دودمان تأثیر اساسی داشت. در این دوره، شهرها بر اساس باورهای مذهبی و به شکل مربع ساخته می شد. وجود قصرهای حکومتی با دیوارهای سنگی به استحکامات نظامی گویای نقش فرهنگ طبقاتی در شهرسازی آن دوره است. در دوره اسکندر و سلوکیان (قرن ۳ قبل از میلاد) سبک هلنی - پارسی رایج شد و شهر را بر مبنای اختلاط دو فرهنگ شرق و غرب گسترش می دادند، به طوری که با شهرهای قبل از خود تفاوت بارزی داشت. در دوره اشکانیان (قرن چهارم پیش از میلاد) سبک پارتی متداول و نظام فضایی کالبدی بر فرهنگ طبقات اجتماعی و کم رنگ شدن فرهنگ یونانی مبتنی حاکم شد. در این دوره، نظام سلسله مراتب فضایی با دیوارهای محصور از مرکز شهر تا حاشیه به صورت جدایی گزینی طبقات اجتماعی، شامل خاندان سلطنتی درباریان، صاحب منصبان، مغان و روحانیان، پیشه وران، روستاییان و بردگان بوده است. در دوره ساسانیان هم ساخت شهر بر مبنای فرهنگ طبقاتی مشتمل بر پادشاهان بود، درباریان، موبدان، نظامیان، دبیران، دهقانان، به صورت جدای از هم هویت یافته است (حبیبی، ۱۴۰۰: ۲۵).

بدین ترتیب نظام فضایی کالبدی شهر قبل از اسلام شامل سه بخش «کهن‌دژ»، «شارستان» و «سواد» (حومه) بوده، ضمن اینکه بخش کهن‌دژ، محله سکونت پادشاه، حکام و درباریان بوده و اغلب در بهترین نقطه شهر و در سطحی بالاتر از سایر نقاط قرار داشته که توسط دروازه به خارج متصل می‌شده است. این بخش نظامی خودکفا داشته و از برج و بارو و خندق برای حفاظت ساکنانش برخوردار بوده است. بخش دوم شهر یا شارستان، در دوره مختلف شاهنشاهی چهره‌ای متفاوت داشته، محل سکونت دبیران، مغان، روحانیون، کسبه و شهروندان و دارای حصار و دیگر استحکامات لازم بوده است. در حومه اغلب شهرها و روستاها، سکونتگاه‌هایی برای کشاورزان و گاه پیشه‌وران احداث می‌شده که به سواد یا حومه معروف بوده است (سلطانزاده، ۱۳۹۶: ۶۸).

فرهنگ اسلامی با شعار برابری، برادری و تحرک عمودی و افقی، باعث پویایی جامعه شهری و پویایی مردم در جامعه شهری گردید، به طوری که میان مفهوم شهر و فرهنگ اسلامی در ابتدای امر، رابطه نزدیکی برقرار گردید. اولین دولت اسلامی در شهر شکل گرفت. فرهنگ اسلامی برای حریم زندگی خانوادگی و ارزش‌های آن اهمیت و احترام قائل شد. از این رو همه دستورات و قوانین به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده، ساخت شهر را تحت تأثیر قرار داد و به ریخت‌شناسی آن‌ها هویت و استحکام ویژه‌ای بخشید که با دیگر شهرهای نواحی جهان متفاوت است (شکویی، ۱۳۹۹: ۱۸۸).

سیاست خاص اسلام در دوره نخست امپراتوری اسلامی بر توسعه شهرهای موجود (ری، اصفهان و دمشق) با رنگ‌وبوی اسلامی و ایجاد شهرهای نوین (کوفه، بغداد، سامره، شاه جهان) استوار بود (حبیبی، ۱۴۰۰: ۴۱).

بدین ترتیب تأثیر فرهنگ اسلام در ساخت فضایی شهر در دو مقوله زیر قابل بررسی است: ۱. تأثیر فرهنگ اسلام در پیدایش شهر و نحوه سازمان‌دهی آن؛ ۲. تأثیر فرهنگ اسلام در ساخت مسکن (سلطانزاده، ۱۳۷۳: ۴۲). تأثیر فرهنگ اسلام در پیدایش شهر و نحوه سازمان‌دهی آن همواره ناشی از این عوامل بوده است: مسجد جامع، بازار، مساجد محله‌ای، مدارس، خانقاه، مقابر، حسینیه و تکیه‌ها، نوع مذهب، اوقاف و تشویق مردم به

احداث بناها و تأسیسات خیریه و... تأثیر فرهنگ اسلام در ساخت مسکن مبتنی بر این اصول بود: حجاب، درون‌گرایی، سادگی، خودکفایی، تطابق با محیط، نهی از منکر، توجه به خانواده و... فرهنگ اسلامی برای تحقق آمالش به شهر نیاز دارد و نخستین مکانی که ساخته شد، مسجد بود. مسجد علاوه بر نقش مذهبی، دارای نقش اجتماعی، سیاسی و هنری است. احداث مسجد جامع ابتدا منحصر به شهرها می‌شد و روستاها دارای مساجد جامع نبودند. دارا بودن مسجد جامع یکی از خصوصیات حقوقی شهر نسبت به روستا بود. در قرون بعد در برخی از روستاهای بزرگ از جمله بلخ و اصفهان مسجد جامع ساخته شد.

دومین عامل اصلی در شکل‌گیری شهرهای دور اسلامی، «بازار» است که گرداگرد مسجد را گرفته، در اطراف آن محلات شهری قرار می‌گرفت و اغلب گویای خاستگاه‌های قومی، نژادی، مذهبی و قبیله‌ای بود که در اوایل هر کدام، مسجد، بازارچه، مدرسه و حمام مخصوص به خود داشتند. در شهر اسلامی بازار از میدان اصلی (مقر حکومتی) به‌سوی دیوار و بارو ادامه می‌یابد و سپس در ورای آن تا حدی گسترش پیدا می‌کند. بازار علاوه بر تنوع کارکردی با کاروان‌سراها و میادین خاصی در ارتباط بود. بنابراین، قبل از آن‌که مکانی ساخته شود، مسجد و بازارچه آن ساخته می‌شد و سپس مردم به‌صورت آزاد در اطراف آن ساکن می‌شدند (حیبی، ۱۴۰۰: ۲۰).

از قرن سوم هجری قمری به‌بعد، مدارس با کارکرد آموزشی، فراگیری علوم دینی، هدایت مردم، اداره امور شرعی و استنباط احکام فقهی ساخته شدند. معمولاً بعد از ساخت مدارس، موقوفاتی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شد که این مدارس در شکل‌گیری بافت شهری نقش مؤثری داشتند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶: ۵۶).

«خانقاه» محل اقامت صوفیان و محلی برای ادای مراسم مذهبی بود که در کنار آن بناهای مختلف ساخته می‌شد. این عنصر هم در توسعه شهری نقش عمده‌ای داشت. مهم‌ترین بناهای اسلامی که در شکل‌گیری دینی بافت شهرها و محلات مؤثر بوده، مقبره‌های بزرگان دین و علماست. بعضی از این مقادیر به مجموعه‌های شهری تبدیل شده (شاه‌چراغ در

شیراز، حضرت معصومه<sup>(س)</sup> در قم، امام رضا<sup>(ع)</sup> در مشهد، عبدالعظیم در ری) تا تسهیلاتی در اختیار زائران قرار دهد. حسینی‌ها و تکیه‌ها، فضایی ساده در داخل محله بوده که به‌منظور تجمع برای مراسم مذهبی و اجتماعی به وجود آمده و عمدتاً کارکرد مذهبی داشته است.

نوع مذهب، عوامل اقتصادی، طبقاتی، قومی، زبانی و صنفی از جمله دیگر عوامل مؤثر در شکل‌گیری محله‌های مسکونی بوده است. در هر شهر، محله‌هایی برای هر یک از گروه‌های مذهبی مانند شیعیان، شافعیان و حنفی‌ها به چشم می‌خورد. وقف یکی از احکام و اصول مهم اسلام و مشوق مردم به احداث بناهای مذهبی و عمومی است و علاوه بر سایر پیامدها سبب عمران شهری می‌گردد. بناهای مذهبی مانند مسجد، مدرسه، خانقاه، تکیه، حسینه، کاروانسرا، دارالشفاء، دارالضیافه، آب‌انبار، سقاخانه، و آسیاب با توجه به نهاد وقف نیز به تعداد فراوان احداث می‌شد (همان: ۲۸).

می‌توان گفت که با ورود فرهنگ اسلام، برابری، عدالت اجتماعی و نفی فرهنگ طبقاتی، دیوارهای کالبدی شارستان یا به عبارت روشن‌تر، سلسله‌مراتب اجتماعی شهری فروریخت و ربض یا حومه‌های شهری آباد گردید. بین قرن یکم تا چهارم هجری قمری سازمان شهری بر مبنای حکومت، مذهب، اصناف و امت شکل گرفت، که هر کدام تبلور فضایی خود را داشتند؛ یعنی حکومت در ارگ، مذهب در مساجد و مدارس و زوایا و تکیه‌ها و خانقاه‌ها، اصناف در بازار و بازارچه‌ها و امت در محلات کالبدی جای می‌گرفتند. در قرن دوم هجری، اولین دولت ایرانی که تشکیل شد، بسیاری از محققان از آن به‌عنوان تجدید حیات علمی و ادبی ایران در دوره اسلامی یاد کرده‌اند (حبیبی، ۱۴۰۰: ۲۰). این نهضت به مدت چهار قرن در حکومت‌های مختلف ادامه داشت که آغاز آن دوره سامانی، اوج آن دوره آل‌بویه (قرن ۴ق) و حضيض آن دوره خوارزمشاهیان در قرون ششم و هفتم هجری قمری است. این نهضت که در زمینه‌های ادبی، آموزشی، دیوانی، تصوف و مذهب صورت گرفت، چهار قرن بعد از افول آن در اروپا (ایتالیا) با عنوان رنسانس آغاز شد. در تبیین این نهضت، عواملی همچون به‌هم‌ریختن نظام کاستی و جایگزینی فرهنگ اسلامی، آمیختن تمدن‌های یونانی و مصری و هند و ایرانی در ترکیبی از فرهنگ‌های

مختلف محلی از بلخ تا اندلس چون مادهای خام در تفکر و جهان بینی اسلامی، و اختراع کاغذ در چین و رسیدن به سمرقند و تکثر نظریه ها و امکان برخورد آرا و عقاید بسیار مؤثر بوده است.

در دوره سامانیان، سازمانی نو شکل می گیرد و ربض گسترش می یابد و بازار در حرکت خویش به سوی دروازه های شهر، محلات متفاوت را می آفریند. در اواخر قرن دوم هجری قمری (۱۰م) میدان های بزرگی ساخته می شود که در اطراف آن دیوان های مختلف، کاخ حکومتی، مسجد جامع و بازار برپا می گردد (میدان کهنه اصفهان). از قرن چهارم هجری قمری در دوره آل زیار و آل بویه با ایدئولوژی مذهبی بومی تحول کلی در ساخت شهر به وجود می آید و انقلاب فرهنگی به انقلاب شهری منجر می شود و شهر با مفاهیم اسلامی متعلق به تمام گروه های اجتماعی می گردد.

در قرن پنجم و ششم هجری قمری در حکومت سلجوقی، نظریه پردازانی همچون امام غزالی و خواجه نظام الملک، نظریه دولت و محروم بودن ملت به معنای کامل رعیت و مالکیت سلطان را تبیین می کنند و در ساختار شهر گسترش شهر بر مبنای سازمان اجتماعی عقیدتی حاکم صورت می گیرد و سازمان فضایی شار به مفهوم منطقه بندی کهن مراکز حکومتی، محلات اعیان و اشراف، بازار و محلات قومی نژادی بازمی گردد. کالبد شهر در دوره عبارت است از میدان اصلی و بزرگ در میانه شهر که در پیرامون آن کاخ ها، دیوان ها، مسجد جامع و گاه بیمارستان قرار دارد و دهانه اصلی بازار به میدان باز می شود و گرداگرد این مجموعه محلات شهری شکل می گیرد. مدارس و مساجد هم درهای خود را به روی بازار یا گذرهای اصلی می گشاید. هر مدرسه، مسجد و موقوفات خاص خود را دارد و شهر درون دیوار است.

در قرن هفتم تا یازدهم هجری قمری، یعنی عصر پس از حمله مغولان، دوره فروپاشی در شهر و نظام کالبدی و بسته شدن دفتر چهارصدساله نهضت علمی فرهنگی ایران دوره اسلامی است. تنها در اواخر تسلط مغولان و در زمان هلاکو خان، غازان خان، گورکانیان به جای شبکه شهری، کم کم نظام تک شهری و متمرکز به وجود می آید که تبریز نمونه



به‌جامانده از آن است. در این دوره، سبک آذری در هنر و ادبیات و معماری جای خود را باز می‌یابد. در قرن یازدهم تا سیزدهم هجری قمری شکل‌گیری حکومت‌های «سربداران» در خراسان و خاندان شیخ صفی در اردبیل و قره‌باغ، نشانه‌هایی از نوعی اتحاد عقیدتی است (هیلتس، ۱۴۰۰: ۱۲۶)؛ ضمن اینکه در باب حکومت نیز نظریه‌ها و تفاسیری از مذهب شیعه به کار گرفته می‌شود. ساخت شهر در این دوران تا زمان قاجار بر مبنای «مکتب اصفهان است». آنچه در این دوران بر مفاهیم قبلی شهرسازی اضافه شده، پیدایش مفهوم خیابان است که یا به میدان اصلی شهر راه می‌برد یا به موازات آن کشیده می‌شود. این مکتب تحقق «آرمان‌شهر» دولت صفوی است که «شار» منتج از آن بیانگر استخراج آمیختگی سیاسی، فرهنگی، عقیدتی و مفاهیم دیوانی و مذهبی است.

در بیان مقایسه می‌توان «سبک اصفهان» را با «سبک باروک» اروپا بعد از رنسانس (قرن ۱۸م) تطبیق کرد، با این تفاوت که سازمان دیوانی دولت و سبک هنری فرهنگی ناشی از آن، با سازمان دولتی و سبک هنری فرهنگی اروپا در شهرسازی دوره رنسانس — که هم‌عصر صفویه است — هنوز گامی به جلو دارد. در مکتب اصفهان، مجموعه زیستی دارای یک میدان یا مرکز ثقل می‌شود (چیزی که در دوره رنسانس و سبک باروک اروپا دیده نمی‌شود) و عناصر اصلی حکومتی، دیوانی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی در کنار آن جای می‌گیرد. در این دوران در هر شهر و روستا، هر کوی و برزن، و محله و ناحیه، میدانگاه کوچک و نه همیشه هندسی احداث می‌شود. این میدانگاه‌ها با کارکردهای متنوع، مکان‌هایی است که کوچه‌های اصلی و گذرهای عمده بدان می‌رسند و در اطراف آن گرمابه، مسجد، مدرسه، آب‌انبار و بازارچه قرار می‌گیرد که در صورت وجود «مزار»، این مزار به‌عنوان یکی از عناصر اصلی این مکان مرکزی سازمان‌دهی می‌شود.

اواخر قرن یازدهم هجری قمری و دوره ایلغار افغان، نقطه پایانی است بر حیات شهری به‌نحوی که شهر ایرانی دوره حوض و شهر اروپایی دوره جهش تاریخی خود را آغاز می‌کند و به‌سوی ایجاد بستر لازم برای تجلی انقلاب صنعتی گام برمی‌دارد. در دوره قاجار به‌رغم تحولات مختلف در جهان و ایران و گرفتار آمدن سازمان اقتصادی ایران، در

حیطه سازمان اقتصادی جهان، سازمان فضایی کشور به جز تهران، دگرگونی‌های عمده‌ای نمی‌یابد. در این دوره سازمان فضایی شهر تفاوت عمده‌ای با دوران صفوی و مکتب اصفهان ندارد.

در این دوره، عمده‌ترین اقدامات شهری در پایتخت انجام می‌گیرد. تهران در سده نوزدهم میلادی و هم‌زمان با حکومت فتحعلی‌شاه تحت‌تأثیر توسعه برون‌زا و تغییرات عمده فرهنگی اقتصادی در مقیاس جهانی و نیروهای فرهنگی، هنری بومی بستر اتفاقاتی چند می‌شود. در این ایام کم‌کم سبک‌های جدید هنری فرهنگی با روش‌های کهن درهم آمیخته می‌شود و نوعی التقاط به وجود می‌آید. حاصل این التقاط در فضای جدید شهری «مدرسه دارالفنون»، تکیه دولت، خیابان‌های جدید و میدان‌هاست (حبیبی، ۱۴۰۰: ۱۲۶).

در دوره ناصری با سبک و ارزش‌های فضایی جدیدی روبه‌رو می‌شویم که سبک تهران نام دارد. نقطه عطف «سبک تهران» را باید در تأثیرپذیری از اروپا، اقدامات اصلاح طلبانه امیرکبیر، سفرهای متعدد هیئت حاکمه به اروپا، و حضور معلمان و مهندسان اروپایی جست‌وجو کرد که ساخت و سازمان فضایی کالبدی را در تهران به ارمغان آورد. تهران تا سال ۱۲۵۶ هجری قمری هنوز دارای مشخصات کامل سبک فرهنگی اصفهان است که عناصر اصلی آن ارک با حصاری در پیرامون، مساجد و مدارس، بازار و میدان و محلات است. اما از سال ۱۲۷۰ هجری قمری به بعد، سبک تهران با تفاوت عمده با سبک اصفهان در تهران و بعضی شهرها (یزد) به کار گرفته می‌شود. برای اولین بار خیابان با الگوی فرهنگ اروپا به خصوص فرانسه عصر صنعت، مفهومی جدید به‌عنوان مکان تجارت و بازرگانی می‌یابد.

در سبک تهران، محله به‌عنوان عنصر اصلی سازمان شهری هنوز نقش دارد، اما به‌عکس، مکتب اصفهان محل تظاهرات قومی‌نژادی نیست. در این ایام بناهای متعدد به سبک اروپا ساخته می‌شود (تلگرافخانه، شمس‌العماره، برج ساعت، تماشاخانه، سینما، هتل، باغ وحش، کنسول‌گری‌ها و...). بدین ترتیب سبک تهران به‌عنوان اختلاط فرهنگی تمدن شرق و غرب در اواخر دوره قاجار زمینه‌ساز ساخت‌های فضایی مکانی می‌گردد.

در دوره پهلوی ۱۲۹۹-۱۳۵۷ هجری شمسی با دگرگونی های فرهنگی در راستای توسعه برون‌زا - مبتنی بر مکتب نوگرایی و الگوی رفتاری بیگانه - شهر به‌عنوان تیلور فضایی کالبدی این دگرگونی، ارزش‌های کهن و پایدار سازمان فضایی خویش را به‌دور می‌افکند و تغییرات عمده عینی و مادی در کالبد آن رخ می‌دهد. اگر در سبک تهران دوره قاجار درهم آمیختگی مفاهیم فرهنگی غرب و شرق با تفوق شرق پایان می‌پذیرد، در الگوی تهران دولت پهلوی، این آمیزش به نفی شرقی و غلبه کامل فرهنگ غرب و مظاهر کالبدی آن ختم می‌شود. در این فراشد «شهر - وابسته» نیز تولد می‌یابد. «شهر - وابسته»، «شهر - سوداگر»، به‌سرعت به «شهر - تقلید»، «شهر - نیرنگ» تبدیل می‌شود که به‌کل از بیرون و مترادف فرهنگ وارداتی است که در سبک تهران دولت پهلوی، مفهوم اروپایی شهر نیز قلب ماهیت می‌یابد. در واقع، در دوره ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی با اتکا به فرهنگ نوگرایی سازمان فضایی، کالبد شهر از درون دگرگون می‌شود و تغییرات عمده در بافت‌های کهنه شهری به وجود می‌آید و ایجاد خیابان به‌عنوان نماد تجدید منطبق با نظریه نوگرایان ۱۹۲۰ میلادی اروپا در ایران دیده می‌شود.

در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ هجری شمسی حضور فرهنگی در سبک بین‌المللی در ساختار فضایی کالبدی شهر توسط دانش‌آموختگان از فرنگ برگشته همانند مجموعه‌های یوسف‌آباد، نارمک، منظریه و تهران‌پارس به کار گرفته می‌شود (همان: ۱۵۲).

در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۵ هجری شمسی متعاقب حضور مستشاران خارجی و مهندسان مشاور داخلی و خارجی، و ایجاد قطب‌های صنعتی و معمولاً بی‌هویت، دگرگونی عظیمی در شهر و ساختار فضایی کالبدی آن به وجود می‌آید که «شهر - سوداگر» و «شهر - مسئله» حاصل آن است. در دوره ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ با اجرای طرح‌های جامع مبتنی بر مکتب نوگرایی و تفکر شهر بی‌زمان و مکان و بی‌توجه به گونه‌های طبیعی و انسانی و میل به جهانی شدن و رانت‌های نفتی و گسترش خیابان به حاشیه شهرها، یک سازمان فضایی مهاجرتی بی‌رویه هویت می‌یابد و نوعی ناکجاآباد غرب‌گرایانه بی‌افکنده می‌شود، به‌نحوی که شهر از نظر معنایی از درون تهی می‌گردد.

## ۶. مسئله فرهنگ و شهر در ایران معاصر

ما آن جریان نظری انتظام‌بخشی را که بتواند با ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و نهادی ما انطباق داشته باشد نداریم؛ نظریه‌ای که بتواند سنت و تجدد را به هم پیوند دهد. هروقت هم که به آن نزدیک شده‌ایم، باز مجبورم بگویم مثل این چند سال گذشته، گسیختگی اتفاق افتاده است. این را بگویم که تجدد «گسستن» از سنت است، اما «گسیختن» از آن نیست؛ زیرا تجدد نقد سنت است، نه نفی آن. در واقع نفی به گسیختن می‌انجامد و حال این نفی از جانب سنت نیز می‌تواند صورت گیرد که هر دو به گسیختگی نظری می‌انجامد و عقلانیت تاریخی (معاصر) ما دچار این گسیختگی‌های دوسویه است (اطهاری، ۱۳۹۲: ۳۹-۴۰).

## ۷. نتیجه‌گیری

فرهنگ به مثابه نهادها، فنون، هنرها، رفتار مشترک گروهی، اقتصاد و طرز تفکر در نظام‌های مختلف تأثیرات خاصی در ساخت شهرها به‌جای گذاشته است. فرهنگ سوسیالیسم، شکل، مکان، بافت و کارایی اقتصادی شهرها را تغییر داد. در این ایده، تراکم بالای جمعیت، سرانه پایین نبود تفاوت‌های فضایی، نظم، دسترسی به خدمات عمومی، حمل‌ونقل عمومی و مدل محله، شهر، منطقه، مؤلفه‌های اساسی در شکل شهر مؤثر بودند. فرهنگ سوسیالیسم نظام اجتماعی اقتصادی و کالبدی شهرهای بلوک شرق را تغییر داد. مؤلفه‌های این فرهنگ برابری، عدالت اجتماعی و سرانه پایین کالبدی است. در غرب، فرهنگ به‌عنوان یکی از رویه‌های مسلط و منطقه‌طبیعی به‌مثابه محیط زمینه‌ساز عمل نموده است. بنابراین فرهنگ به‌عنوان نتیجه کار، نظام کالبدی، الگوها و ویژگی‌های جامعه را تشریح می‌کند. در ساخت شهرهای غرب مکاتب فرهنگی متعددی که مبتنی و محصول فرهنگی آن‌هاست، ساخت شهرها را هویت بخشید.

در ایران، چه قبل و چه بعد از اسلام، سبک‌های خاص فرهنگی، نوع خاصی از شهرها را به وجود آورد. برای نمونه شهرهای هخامنشیان، سلوکیان بر مبنای سبک‌های پارسی و هلنی پارسی ساخته شده است. در دوره اشکانیان و ساسانیان، نظام فضایی کالبدی شهر بر

مبنای فرهنگ طبقاتی و کم‌رنگ شدن فرهنگ یونانی و به‌صورت جدایی‌گزینی طبقات اجتماعی مبتنی بوده است. اساساً ساخت شهر در قبل از اسلام به‌صورت کهن‌دژ، شارستان و سواد بوده که در هرکدام از این سه مکان، گروه‌های خاص محل‌های خاصی را در اختیار داشته‌اند. فرهنگ اسلام با مؤلفه‌های ویژه خود، فرم خاصی از شهرها را پدید آورد. تأثیر فرهنگ اسلام را در پیدایش و سازمان‌دهی شهرها و ساخت مسکن، می‌توان به‌صورت آشکارا مشاهده نمود.

مؤلفه‌های اساسی فرهنگ اسلامی در ساخت شهر را می‌توان مسجد، بازار، بازارچه، مدرسه، خانقاه، حسینیه و مقابر برشمرد که شغل، مکان، بافت و کارکردهای فضای شهری متأثر از آن‌هاست. نوع مذهب، عوامل اقتصادی، طبقاتی، قومی، زبانی و صنفی عوامل مؤثر در شکل‌گیری محلات بوده است. فرهنگ وقف در ساخت مساجد، مدارس، خانقاه، تکایا، کاروان‌سراها، دارالشفاء، آب‌انبارها و آسیاب‌ها در شکل‌گیری شهرها بسیار مؤثر بوده است. در اواخر دوره قاجار، نوعی التقاط فرهنگی متأثر از فرهنگ‌های بیرونی در ساخت شهر تهران شروع به شکل‌گیری می‌کند که در دوره پهلوی اول و سپس دوم، نمود این مکاتب فرهنگی را در شهرهای ایران می‌توان مشاهده نمود. در مجموع ساخت شهرها تبلوری از فرهنگ مسلط نظام‌های حاکم بر کشورهاست.

## منابع

- آشوری، داریوش. (۱۴۰۱). تعریف و مفهوم فرهنگ. چ ۹. تهران: نشر آگاه.
- اسلامی‌ندوشن، محمدعلی. (۱۳۹۴). فرهنگ و شبه فرهنگ. چ ۲. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- اخوان‌خرازی، کامیار. (۱۳۸۷). رویکرد تحلیلی به ضرورت توجه به فرهنگ جامع. نشریه هویت، ۲ (۳)، ۶۲-۵۱.
- افروغ، عماد. (۱۳۹۶). فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن. چ ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- اطهاری، کمال. (۱۳۸۹). گسستگی و گسیختگی در توسعه ایران. دو ماهنامه چشم‌انداز ایران، شماره ۶۱.
- امان‌پور، سعید، و سعیدی، جعفر. (۱۳۹۶). تحلیلی بر تأثیر فرهنگ در ساخت شهرهای ایرانی اسلامی. فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ۹ (۳۱)، ۸۳-۱۰۴.

- قنبری، امین، و ایرانمنش، مصطفی. (۱۳۹۴). تأثیر فرهنگ بر معماری و شهرسازی بومی. همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد.
- پوراحمد، احمد، و یزدانی، محمدحسن. (۱۳۸۴). تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی اسلامی، نمونه موردی: شهر تبریز. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۲۲ (۸۴)، ۵۲-۲۹.
- پورجعفر، محمدرضا، و دهقانی، فهیمه. (۱۳۹۰). نقش بازآفرینی «مناظر فرهنگی بر ارتقای کیفیت «زندگی شهروندی» (نمونه موردی مجموعه زندیه شیراز). نقش جهان، ۱ (۱)، ۹۴-۸۱.
- پهلوان، چنگیز. (۱۳۹۹). فرهنگ‌شناسی: گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن. چ ۲. تهران: انتشارات قطره.
- ترنر، تام. (۱۳۹۶). شهر همچون چشم‌انداز. ترجمه فرشاد نوریان. چ ۴. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۹۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی. چ ۲۱. تهران: سازمان سمت.
- جهانبخش، محمدعلی. (۱۳۹۶). مردم‌شناسی و فرهنگ عامه (با تکیه بر فرهنگ عامه مردم ایران). چ ۲. تهران: نشر هم‌پا.
- حبیب، فرشته. (۱۳۸۸). تحلیلی از تعامل فرهنگ و کالبد شهر (نمونه موردی اصفهان - صفویه). نشریه هویت، ۳ (۴)، ۹۴-۸۳.
- حبیبی، محسن. (۱۴۰۰). از شار تا شهر. چ ۱۹. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینی بایگی، سیده شیماء، حنایی، تکتم، و استادی، مریم. (۱۳۹۷). مقایسه ابعاد حس مکان در دو فرهنگ عربی و ایرانی. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۲۳، ۱۷۳-۱۸۴.
- حسینی کازرون، سید احمد. (۱۳۷۳). ارتباط فرهنگ عامه با فرهنگ عمومی. فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۵.
- خستو، مریم. (۱۳۹۹). تأثیر شکل شهر بر فرهنگ: رویکردی تاریخی. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۱ (۱)، ۴۴۳-۴۵۹.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۹۶). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زیاری، کرامت‌الله. (۱۳۸۲). تأثیر فرهنگ در ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی). مجله جغرافیا و توسعه، ۱ (۲)، ۱۰۸-۹۵.
- زیاری، کرامت‌الله. (۱۳۹۶). برنامه‌ریزی شهرهای جدید. چ ۷. تهران: انتشارات سمت.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۹۴). زمینه فرهنگ‌شناسی. چ ۱۱. تهران: نشر عطار.
- سجاذاده، حسن، اعتصامیان، رویا، و خزلی، لیلا. (۱۳۹۴). تجلی مفهوم درون‌گرایی در بازارهای ایرانی. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳ (۸)، ۴۵-۳۴.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. چ ۳. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۲). فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران. چ ۶. تهران: دفتر پژوهش‌های

فرهنگی.

- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۳). تأثیر اسلام در ساخت شهر. مجله معماری و شهرسازی، شماره ۲۵-۲۶. شاردن، ژان. (۱۳۵۰). سیاحت‌نامه. ترجمه محمد عباسی. چ ۱. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شکویی، حسین. (۱۳۹۹). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. چ ۲۰. تهران: سازمان سمت.
- شماعی، علی. (۱۳۸۹). نقش الگوهای شهرسازی سنتی در شهرسازی مدرن شهر یزد. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱، ۹۳-۱۰۵.
- شیعه، اسماعیل. (۱۳۹۸). با شهر و منطقه در ایران. چ ۳۶. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- صرافی، مظفر. (۱۳۸۳). شهر فرهنگی و فرهنگ شهری. ماهنامه شهرداری‌ها، ۶ (۶۴)، ۵-۱۰.
- عمید، حسن. (۱۳۹۰). فرهنگ عمید. چ ۳۸. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فکوهی، ناصر. (۱۴۰۱). مبانی انسان‌شناسی. چ ۱۰. تهران: نشر نی.
- فنی، زهره. (۱۳۸۸). بررسی ابعادی از تحولات جغرافیای فرهنگی شهر (مطالعه موردی: مناطق ۱ و ۱۲ شهر تهران). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۸، ۳۷-۵۴.
- معین، محمد. (۱۳۹۱). فرهنگ معین. چ ۲۷. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمدی‌اصل، عباس. (۱۳۹۷). فرهنگ اجتماعی. چ ۲. تهران: نشر علم.
- منصوری، سینا. (۱۴۰۰). به‌کارگیری مبانی و اصول فرهنگ ایرانی-اسلامی در طراحی فضاهای شهری ایرانی معاصر (مطالعه موردی: میدان تجریش تهران). فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ۱۳ (۴۵)، ۲۷-۴۶.
- مومنی، کورش، مسعودی، زهره. (۱۳۹۵). رابطه فرهنگ و معماری (با بررسی موزه هنرهای معاصر تهران). جلوه هنر، شماره ۱۵، ۶۷-۸۲.
- هیلتس، والتر. (۱۴۰۰). تشکیل اولین دولت ملی در ایران. ترجمه کی‌کوس جهان‌داری. چ ۵. تهران: انتشارات خوارزمی.

- Anderson, Margaret. L., & Taylor, Howard. F. (2008). *Sociology: Understanding a Diverse Society*. U.S.A: Thomson, 4th Edition.
- Bahreyni, S.H. (2003). *Analysis of Urban Spaces*. Tehran: Tehran University Press.
- Coleman, S., & Watson, H. (1993). *Anthropology*. (M. Salasi, Trans.). Publishing House.
- Conzen, M, F, (1973). *Analytical Approach the Landscape Dimension of Human Geography UCP*.
- Giddens, A. (1998). *Sociology* (M. Sabori, Trans.), Tehran: Ney Publish.
- Mamfred, L. (2006). *Culture of Cities* (A. Aqwami Moghaddam, Trans.), Tehran: Center for Study and Research on Urbanism and Architecture.
- Rabani, R., & Vahida, F. (2006). *Urban Sociology*. Isfahan: University of Isfahan.
- Pakzad, J. (2006). *Theoretical Basis and Urban Design Process*. Shahidi Publishing House.
- Shuwen, L., & Cheung, T.O. (2016). Sense of Place and Tourism Business Development. *Tourism Geographies*, 18(2), 174-193.
- Ujang, N., & Zakariya, K. (2015). The Notion of Place, Place Meaning and Identity in Urban Regeneration. *Social and Behavioral Sciences*, 170, 709-717.

## An Analysis of the Impact of Culture on Planning in Iran's Citizenship and Urban Culture

Gestab Kiani,<sup>1</sup> Korosh Afzali,<sup>2\*</sup> Karmatullah Zyari<sup>3</sup>

Received: 4/7/2023

Accepted: 1/1/2023

---

---

### Abstract

In the past, cities of Iran enjoyed the culture of urbanization in all aspects of life, but due to the advancement and introduction of technology, this culture became marginalized, and anomalies were placed in the context of Iranian cities traced back to architecture. They were cultural and reflected culture according to its characteristics. However, today there are cities that do not contain any cultural manifestations. Culture came into existence at the same time when human civilization began, and it continued; with the advancement of technology from the West, western culture as well as western technology were introduced to other cultures and brought cultural identitylessness along with aimless imitation as well as the decline of old cultures. Local rootedness was introduced by dissolving into another culture and creating global fixed culture as a problem for the controlling of crime prevention and the identifying of communities. The research method of this article is descriptive and analytical, using library and document resources. It has dealt with the dimensions of the influence of culture and planning while analyzing its place in urban culture. The results indicated that it was one of the important components of urban society. Modern and contemporary Iran is related to the realization of urban culture among different cities, each of which has raised a great challenge to most of the designers, planners, and city managers due to their specific geographic, behavioral, and cultural characteristics.

**Keywords:** culture, planning, development, urban planning, urban identity.

---

1. PhD student of Urban Planning Department, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran; gashtaseb.kiani@yahoo.com

2. Assistant Professor of Urban Planning Department, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran; kkafzali@yahoo.com

3. Professor of Department of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran; zayyari@ut.ac.ir

doi: 10.22052/IJCS.2023.248510.1004